بسم الله الرحمن الرحیم

مدرسه‌نمای136

## حکایت - حلقه صالحین

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد مسجد شد، چشمش به دو اجتماع افتاد که از دو دسته تشکیل شده بود و هر دسته­ای حلقه­ای تشکیل داده سرگرم کاری بودند. یک دسته مشغول عبادت و ذکر و دسته دیگر به تعلیم و تعلم و یاد دادن و یاد گرفتن سرگرم بودند. هر دو دسته را از نظر گذرانید و از دیدن آن‌ها مسرور و خرسند شد. به کسانی که همراهش بودند رو کرد و فرمود: «این هر دو دسته کار نیک می‌کنند و بر خیر و سعادتند.» آنگاه جمله‌ای اضافه کرد: «لکن من برای تعلیم و دانا کردن فرستاده شده­ام.» پس خودش به طرف همان دسته که به کار تعلیم و تعلم اشتغال داشتند رفت و در حلقه آن‌ها نشست.

## پامنبری - شیرین­ترین لحظات

من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان... سفارش می­کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ، تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید... و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه­ام به جوانان عرض می­کنم، این است که در مسیر ارزش‌ها و معنویات، از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید و هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی­نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید.

امام خمینی(ره)، 29 تیر 1367

## سیره خوبان - مقید به برنامه

شهید بهشتی در حجره کاغذی به دیوار زده بود و برنامه روزانه خود را روی آن کاغذ نوشته بود؛ ربع ساعت را برای گپ زدن و صحبت با دوستان که نزد ایشان می‌آمدند معین کرده بود. وقتی این ساعت تمام می‌شد به آن‌ها می‌گفت: «آقایان، وقتم تمام شد و حالا باید برای کار دیگری بروم. اگر شما می‌خواهید در حجره بمانید، این کلید خدمت شما باشد. بنشینید و بعد که خواستید بروید در حجره را قفل کنید و تشریف ببرید.»

**کتاب سید محمد بهشتی؛ نگاهی به زندگی و مبارزات شهید دکتر بهشتی، نویسنده: امیر صادقی، ناشر: میراث اهل قلم، نوبت چاپ: اول- پاییز ۱۳۹۱؛ صفحه ۱۳**

## برای دوستم چی بفرستم - رفیق شهید من...

از بین این‌همه رفیق که دارم، یه رفیق هست که هر لحظه باهامه و حواسش به من هست. موقع تنهاییام باهاش درد دل می­کنم و وقتی کارم گیره از اون می‌خوام کمکم کنه. یه رفیق... یه رفیق شهید

## تکاپو – چرم‌دوزی

یکی از لذت­های زندگی این است که همیشه کیف و لوازم چرمی خاص و دستدوز خودتان همراهتان باشد و لذت‌بخش­تر از آن هدیه دادن دست‌ساخت­های خودتان به دوستانتان هست. حتی می‌توانید از این طریق درآمدی هم کسب کنید. برای شروع هنر چرم‌دوزی، به چرم (شامل چرم بزی، چرم گاوی و چرم مصنوعی)، نخ موم‌زده، سمبه، مشته، تخته کار، قیچی چرم، کاتر، چسب آهن، سوزن، خط‌کش فلزی، خط‌کش علامت‌زن و خودکار ژله­ای احتیاج داریم. برای چرم­دوزی نیاز به الگو داریم و باید آن را بکشیم و بعد روی چرم انتقال بدیم. بعد از برش باید با سمبه­زن نقاط خاصی را سوراخ کنیم و در مرحله آخر هم با روش دلخواه قطعات مختلف را به همدیگر بدوزیم. به همین آسانی...

## درس و بحث - چند اصطلاح خارجکی

I was shame stricken از خجالت آب شدم

Knock on wood بزنم به تخته

It’s beyond your dignity دور از شأن شماست

Leave it to me همه کارها رو به من بسپار

more power to your elbow خدا قوت

easy come easy go باد آورده را باد می‌برد

It is good fishing in troubled waters از آب گل‌آلود ماهی گرفتن

## چقدر باهوشی – نیمه پر استخر

یک استخر داریم که هر روز 2 برابر روز قبل آب می­ریزند داخلش؛ مثلاً اگر امروز ۱ لیتر می­ریزند، فردا ۲ لیتر و به همین ترتیب 4، 8، ۱۶، ۳۲ لیتر در روزهای بعدی داخل استخر آب می‌ریزند. تو مدت ۳۰ روز این استخر کاملاً پر می‌شود. حالا سؤال این است که در چه روزی از مدت این ۳۰ روز، حجم این استخر نصفه است؟!

پاسخ: روز 29 ام

راهنمایی: حجم آب استخر نسبت مستقیم داره با توان دوم عدد همان روز (منهای یک). بنابراین ۲ به توان ۳۰ تقسیم بر ۲ که می‌شود ۲ به توان ۲۹

## کتاب خوب – فوتبال و جنگ

«فوتبال و جنگ» از سری مجموعه کتاب‌های قصه فرماندهان روایت داستانی شهید ناصر کاظمی و زندگی فوتبالی او در جبهه‌های جنگ است که در حال و هوای جام جهانی فوتبال 2018 روسیه به مخاطبان توصیه می‌شود.

«بازی که تمام شد، کسی حال و حوصله حرف زدن نداشت. از خجالت سرمان را انداختیم پایین. «ناصر» که کاپیتان بود، گفت: «حرف گوش نمی‌کنید. صدبار گفتم فوتبال هم مثل جنگیدن است. هر کس جای خودش باید درست بازی کند، ولی به گوشتان نرفت که نرفت، این هم نتیجه‌اش!» پنج تا گل خورده بودیم...» این متن، بخشی از این کتاب کوتاه جذاب است.

نویسنده: محمود جوانبخت، ناشر: سوره مهر، تعداد صفحات: 56

## دانستنی­ها – عجایب باستانی

مصری‌های باستان فکر می‌کردند مغز فقط چیزی است که درون سر را پر می‌کند. وقتی که جسدی مومیایی می‌شد، مغزش از میان یکی از سوراخ‌های بینی بیرون کشیده می‌شد و امعا و احشای بدنش برداشته می­شد و درون کوزه­هایی به نام canopic قرار داده می شد. هر قسمت بدن در یک کوزه مشخص قرار داده می­شد. تنها عضو داخلی بدن که بیرون آورده نمی­شد قلب بود؛ زیرا مصری­ها قلب را نشیمنگاه روح می­دانستند.

## یادداشت اول - مسجد رفتن دل‌بخواهی است مگر؟

اگر شما یک روز بی‌دلیل به مدرسه نروید، چه می‌شود؟ از پدر و مادر گرفته تا مدیر و ناظم و معلم و دوست و رفیق، همه شما را توبیخ می‌کنند که مگر مدرسه رفتن دل‌بخواهی است که هر وقت عشقت کشید نمی‌روی!؟ در حالی که مگر غیر این است؟ مگر فراگیری علم و دانش اجباری است؟ قطعاً این‌گونه نیست، اما دیگران چون اهمیت علم در جامعه امروزی را می‌دانند، تلاش می‌کنند از خسارت احتمالی، جلوگیری نمایند.

حالا اگر شما یک روز به مسجد نروید، چه می‌شود؟ هیچ! کسی کاری با شما ندارد. انگار مسجد همانند سینماست که اگر خواستی لذت ببری، می‌روی و نخواستی هم چیزی از دست نداده‌ای!

اما پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم لعنت کرده کسی را که سه روز متوالی در مسجد حاضر نشود. به لعنتش می‌ارزد؟

پرسش:

یادداشت اول مسجد رفتن مهم‌تر است یا مدرسه رفتن؟

1. مسجد رفتن
2. مدرسه رفتن
3. هیچ کدام

## ما و رسانه - پله‌های سقوط

فکر هم نکن گناهکاران حرفه‌ای از اول می‌خواسته‌اند گناه کنند. نه اتفاقاً. معمولاً انسان‌ها نیت گناه و نافرمانی ندارند، ولی در دام اینترنت و شیطان گیر می‌افتند. چون اینترنت یواش‌یواش آدم را به سمت گناه می‌برد. یک تبلیغ بی‌جا، یک عکس خبری یا هر اتفاقی می‌تواند جرقه‌ای باشد برای آتشی بزرگ.

حالا که فاصله با گناه این‌قدر کوتاه است، قطعاً مهم‌ترین کار آن است که از لبه پرتگاه تا می‌توانیم فاصله بگیریم. لزومی ندارد زنگ تفریح‌مان اینترنت باشد و تک‌تک ثانیه‌هایی را که مجبور به کار دیگری نیستیم، در فضای مجازی سیر کنیم.

## پرسش

ما و رسانه - گناه‌کاران حرفه‌ای عموماً چطور به این درجه رسیده‌اند؟

از اول طینت‌شان خراب بوده است.

به تدریج به دام گناه افتاده‌اند.

حتماً در محیط و خانواده خرابی بزرگ شده‌اند.

## احکام – کمی بلندتر بخوان

صدایش درنمی‌آید. طوری نماز می‌خواند که خودش هم چیزی از آن را نمی‌شنود. ولی حداقل بلندی صدا در نماز آن‌قدری‌ست که خود انسان صدای خودش را بشنود.

متن دقیق رساله:

س: برای قرائت در نماز اگر الفاظ گفته شود، اما صوت آن شنیده نشود، نماز اشکال دارد؟

ج: تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش بشنود، و اگر به واسطه سنگینی یا کری گوش یا سر و صدای زیاد نمی شنود، باید طوری بگوید که اگر مانعی نباشد بشنود.

استفتاء از دفتر مقام معظم رهبری، بخش استفتائات جدید (خردادماه 97)، سایت leader.ir

## پرسش:

ما و رسانه – حداقل صوت نماز چه میزان است؟

به اندازه‌ای که خود انسان صدای خودش را بشنود.

حداقل ندارد و می‌توان بدون صوت آن را خواند.

باید صدا جوهره داشته باشد.

## اقتصاد مقاومتی – خوب به توان دو

موهای تنم سیخ شده بودند، مثل اینکه کسی گچی را روی تخته سیاه بکشد. وقتی دقت کردم، متوجه شدم دوباره سعید حنجره بدون اجازه در بلندگوی مسجد اذان می‌گفت. به سمت مسجد رفتم. در راه دیدم اکبر اسکانیا مشغول شستن ماشینش است و دارد آواز میخواند: بارون بارون بارونَ هِی..!

فردای آن روز دوباره به مسجد رفتم. در هنگام بازگشت با حاج‌آقا درباره برجام صحبت می‌کردیم که بازهم مثل دیروز دیدم اکبرآقا در حال شستن ماشین خودش است. به حاج‌آقا گفتم اکبرآقا شیرمردی است، چون بدون اینکه در مصرف آب اسراف کند ماشینش را هم امروز هم دیروز شسته است.

حاج اقا گفت: «درست است. اسراف نکرده، بلکه تبذیر انجام داده؛ یعنی اکبرآقا کار بد را خوب انجام داده است، در حالی که تنها کار مورد پسند خدای مهربان کار خوب را خوب انجام دادن است.» حرف حاج‌آقا که تمام شد به طرف اکبرآقا رفت که...

## صفر و یک – کلمات میرزایی

سازندگان بازی باقلوا بعد از موفقیت در این محصول ایرانی، حالا با آمیرزا به سراغ ما آمده‌اند. وقتی میان این‌همه غول‌های بازی‌ساز خارجی، یک تولید ملی محبوب‌ترین بازی می‌شود بی‌دلیل نیست. آمیرزا با احترام به زبان فارسی، از ظرفیت‌های خاص آن به‌خوبی بهره برده است. در کنار آن، از هویت و سنت ایرانی هم استفاده‌های خوبی کرده و فضای شیرین و جذابی برای کاربران فراهم کرده. آمیرزا از بازی‌هایی است که گرچه زمانی از ما می‌گیرد، به خاطر ساختار معمایی و کشفی‌اش به آدم چیزی اضافه می‌کند. آمیرزا و پانصد مرحله‌اش را به‌مرور پیش بروید تا نه خسته شوید، نه تمام وقت‌تان را صرف بازی کنید.

## چراغ هدایت – بازتاب

**خیال کرده‌ای کارهایت هیچ اثری در عالم ندارد؟**

\*\*\*

خضر به موسی علیهماالسلام گفته بود نمی‌توانی کارهای مرا تحمل کنی. موسی دو بار دیگر هم اعتراض کرده بود. این بار آخر بود. غذایی نداشتند. هرچند اهل روستا چیزی به آنان ندادند، خضر نبی دیواری در روستا را تعمیر کرد و بابتش مزدی نخواست. موسی از این کار خضر خیلی متعجب شد. انگار حق داشت. ولی وقتی خضر دلیل کارهایش را گفت، موسی متوجه شد. دیوار برای دو طفل یتیم بود. پدرشان شخص درستکاری بود که زیر این دیوار گنجی گذاشته بود برای روزهایی که آن دو بزرگ شوند. دیوار داشت خراب می‌شد. خدای مهربان به خاطر کارهای خوب آن مرد، پیغمبرش را فرستاد که تا هنگام بزرگ شدن فرزندانش گنجش بماند. هیچ کار خوب و بدی در عالم از بین نمی‌رود؛ حتی با مرگ.

**فَمَن يَعمَل مِثقالَ ذَرَّةٍ خَيراً يَرَهُ‌[[1]](#footnote-1)**

پس هرکس هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند آن را می‌بیند

1. زلزله، 7 [↑](#footnote-ref-1)